

## اعتراضات مردمی در شهرهای جنوب ایران

در روزهای گذشته مردم شهرهای جنوب، بطور مشخص خلق بختیاری بخاطر برخورد توهین آمیزی که در سریال تلویزیونی "سرزمین کهن" به بختیارها شده بود، اعتراضاتی را سازماندهی کردند. گذشته از چگونگی و نوع این اعتراضات، آنچه که بر همگان روشن است، اعمال سیاستهای تبعیض آمیز توأم با توهین و تحقیری است به خلق های تحت ستم استثمار می شود. ادبیات متعفی که در دوران سیاه پهلوی و حکومت جهل و بیداد اسلامی، مدام از جانب حکومتگران و دستگاههای تبلیغی آن، صدا و سیما و روزنامه ها، نثار خلق های تحت ستم و استثمار می شود.

پر واضح است در جامعه طبقاتی دولتی که بر سرکار است، نماینده ی آن بخش از جامعه است که بر ابزار تولید و سرمایه های جامعه دست یازیده است. رابطه ی این دولت با توده های فرودست و زحمت کش تا آنجاست که این مردم را به پای انتخابات اش بکشد تا از رای آنان کسب مشروعیت کند. سگان ولگردی که به محض جلوس به تخت فرمانروائی بمانند خدایان آسمانی بر همان خلق، که اینک به سطح بردگان تاریخ تنزل موقعیت یافته اند، حکمرانی کنند. مسلم است مردمی که در یک خطای تاریخی این سگان را به حکومت رسانیده است، اینک نه تنها به دلیل مناسبات نظام سرمایه داری حاکم، تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی - سیاسی فرار گرفته است، بلکه کرامت و حرمت انسانی شان نیز با مذموم ترین ادبیات مورد تهاجم واقع شده است. حال این مردم به خطای خود پی برده است و می خواهد همانند یک انسان، شأن و کرامت خود را بازیابد. یکی از هزاران رفتار توهین آمیز حکومت را بهانه ای قرار داده تا بر هزاران حقوق پایمال شده ی خویش اعتراض کند. بی تردید این حرکت به دلیل خودبخودی بودن و با توجه به سطح آگاهی توده ها و شرایط سرکوب، می تواند ضعف ها و انحرافات داشته باشد. اما مضمون اعتراض در کلیت خود با توجه به اینکه از سوی طبقات کار زحمت و فرودستان بر علیه سیاست های جمهوری جهل و سرمایه صورت گرفته است، نه تنها نیاز به تحلیل دقیق دارد، بلکه دخالت آگاهانه برای پشتیبانی نیز دارد.

در این رابطه جریان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اطلاعیه ای بتاريخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ صادر کرده است. این جریان بجای تحلیل اعتراضات فوق از آنجا که خود را هم "کمونیست" و هم "کارگری" معرفی می کند، یعنی جریانی که باید تحلیل جامعه شناسانه ارائه کند، با یک بیانیه ی سطحی و کودکانه تمام محتوای حرکت فوق را در دو کلمه ی "عشیره ای" و "قبیله ای" خلاص نموده است. و ادعا نموده اعتراض فوق علیه کارگران و ایجاد تفرقه میان طبقه کارگر است. سؤال اینست: کدام بخش از جامعه و با کدام ماهیت طبقاتی در این اعتراض شرکت کرده اند؟ این اعتراض برای چه و علیه کدام طبقه انجام گرفته است؟ جایگاه و ماهیت دستگاه حاکمه به لحاظ طبقاتی چیست؟ خصوصیت و ویژگی جنبش خودبخودی چیست؟ و وظیفه جریانی که مدعی مدافع طبقه کارگر است، در موقع بروز جنبش های خودبخودی چیست؟ آیا با عشیره ای و قبیله ای نامیدن یک اعتراض می توان ماهیت مطالباتی آنرا به هیچ شمرد؟ اگر چنین است، پس این مردم هم می توانند بگویند، جریان باصطلاح کمونیست کارگری پس از مرگ منصور حکمت خود به قبایل و عشیره های مختلفی تقسیم شده است، بنابراین ماهیت این جریان ارتجاعی است. البته این رفتار در این جریانات مسبوق به سابق است، و چیز جدیدی نیست. در سال ۱۳۸۵ نیز وقتی روزنامه دولتی ایران به مردم آذربایجان توهین کرد، میلیون ها آذربایجانی با بهانه قرار دادن این توهین کثیف به خیابانها آمدند تا نفرت و انزجار خود را به سیاست های ضد انسانی جمهوری اسلامی ابراز دارند. کورش مدرسی از سرکردگان این جریان در آن موقع، فتوا صادر کرد که مردم خر نشوند و به این اعتراض اعتنایی نکنند. صد البته باید تذکر داد ادبیات هر فرد و گروه سیاسی در برخورد با مسائل اجتماعی، خصوصاً آنجا که توده ها را مورد خطاب قرار می دهد، متأثر از ماهیت طبقاتی و میزان درک و آگاهی آن فرد و گروه است. با ادبیات شمشز کننده و حقارت آمیز که موروث دوران برده داری است، نمی توان در دل توده ها اعتبار کسب کرد. جریان و یا فردی که بنام طبقه کارگر و از جایگاه منافع توده ها حرف می زند، اول از همه موظف است به مبارزه با فرهنگ طبقه حاکم برخیزد نه اینکه آن فرهنگ را بازتولید کند. در جامعه ای که مردم زیر یوغ سرکوب و استثمار قرار گرفته است، و از ساختارهای کهنه و پوسیده رنج می برد، وظیفه ی جریانی که

خود را مدافع منافع مردم معرفی می کند، این نیست که مردم را مورد سرزنش و تحقیر قرار دهد. این رفتارها نشان می دهد این جریانها نه تنها با درد های جامعه آشنا نیستند، بلکه برای سرپوش گذاشتن به ناتوانی های خود در تجزیه تحلیل تضادها و ناهنجاریهای اجتماعی که از فقر تئوری ناشی می شود، و همچنین بدلیل فقدان جایگاه اجتماعی و صد البته چنین است، ساده ترین راه را برگزیده اند. غافل از اینکه مسائل اجتماعی ریشه در نظام طبقاتی دارد و تا زمانی که جریانی قادر به شناخت ناهنجاریها نباشد، نمی تواند هنجارهای منطبق با شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی را برای جامعه ارائه نماید.

بیست چهارم فوریه ۲۰۱۴ برابر با پنجم اسفند ۱۳۹۲

روزبه کوراغلی

آدرس متن بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

<http://www.hekmatist.com/19Feb-hezb-baxtiari.html>